

شیعیان یمن

بررسی وضعیت فرهنگی - سیاسی

گفت‌وگو با: عصام العماد

اشاره

نوشتار ذیل حاصل گفت‌وگوی «مؤسسه شیعه‌شناسی» با آقای دکتر عصام العماد از شیعیان یمن - قبلاً دارای مذهب اهل سنت بوده و سپس شیعه مذهب شدند - درباره وضعیت این کشور و شیعیان آن است که در تاریخ ۱۳۸۲/۶/۵ صورت گرفته. ایشان متولد سال ۱۹۶۸ و دارای دکترای علوم حدیث از دانشگاه عربستان می‌باشد و اکنون در مقطع خارج فقه و اصول در حوزه علمیة قم مشغول تحصیل است.

« لطفاً خودتان را معرفی کنید؟

العمامد: عصام العماد، اهل یمن و متولد ۱۹۶۸ هستم، از کلاس اول دبستان تا چهارم دبیرستان، ۱۲ سال در مدارس دینی وهابی‌ها در یمن درس خواندم. پس از فارغ التحصیل شدن از این مدارس، به عنوان امام جماعت مسجد، در شهر صنعاء - پایتخت یمن - بودم. بعد هم در عربستان، در دانشگاه «علوم حدیث» مشغول تحصیل شدم و با درجه دکترای علوم حدیث فارغ التحصیل گردیدم. اولین بار که به ایران آمدم، اواخر سال ۱۳۶۹ بود.

« چطور شد که شیعه شدید؟

العمامد: در عربستان، چون تخصص من علوم حدیث بود، کتابی به نام العتب الجمیل علی

اهل الجرح والتعدیل که در علم رجال اهل تسنن نوشته شده بود را خواندم که در آن، دلایلی آورده بود که در اهل سنت، گرایش‌های مذهبی و تاریخی در گزینش احادیث و افراد در علم رجال و حدیث دخالت دارند. بخش این کتاب هیاهویی در عربستان ایجاد کرد و تقریباً ۱۰ کتاب علیه آن نوشته شدند که من بعضی از آن‌ها را خواندم. پس از خواندن آن کتاب‌ها، واقعاً دیگر اعتمادی به آنچه می‌خواندم یا علمای اهل تسنن می‌گفتند، نداشتم. ما کتاب‌های عقیدتی که می‌خواندیم بر اساس احادیث پیغمبر بودند. حدیث پیامبر در علم رجال از طریق راویان حدیث نقل شده است. با طرح شبهه و سؤال در علم حدیث، کتاب‌های عقیدتی مثل کتاب توحید محمد عبده هم زیر سؤال خواهند رفت؛ زیرا اساس این اعتقادات بر احادیث و اساس احادیث بر علم رجال هستند. یک عبارت از ابن حجر عسقلانی نقل شده - امام ابن حجر عسقلانی از شخصیت‌های درجه یک اهل تسنن است - گفته: من واقعاً تأسف می‌خورم هنگامی که به علمای پیشین در قرن اول تا چهارم نگاه می‌کنم، می‌بینم این‌ها هرگاه شیعه‌ای را که باید از پیامبر و از راویان قدیم بدانند، به عنوان دروغگو، ناپسند می‌پندارند و هرگاه یک راوی، ضد اهل بیت علیهم‌السلام و مخالف شیعه بود، او را به عنوان راستگو، دیندار و مؤمن می‌پندارند. عسقلانی می‌گوید: من حیرت زده شده‌ام که چرا علمای پیشین برخلاف سخن پیغمبر عمل کرده‌اند! پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: هر که از طرفداران علی است مؤمن است و هر که از دشمنان علی است منافق. عسقلانی گفته: این روایت صحیح است و من تحقیق کردم و به صحت آن اطمینان دارم.

آقای ابن حجر عسقلانی می‌گوید: دیدم علمای ما برخلاف این حدیث عمل می‌کنند؛ یعنی هر که را دوست امام علی علیه‌السلام است به عنوان دروغگو معرفی کرده‌اند و از او حمایت نکرده‌اند، و هر که را از دشمنان امام علی علیه‌السلام بوده از او به زور حمایت کرده‌اند. البته دلایل زیادی را مطرح کرده، ولی پس از چند سال بررسی، به این نتیجه رسیدیم که این حرف صحیح است. ولی حرف آقای عسقلانی هم برای من قانع‌کننده نبود؛ چون ایشان فقط طرح شبهه کرده، تحقیق نکرده و جواب قانع‌کننده به سؤال

خودش هم نداده است. این اولین جمله‌ای بود که من قبلاً در کتاب *تهذیب التهذیب* او خواندم. همین مسائل که ابن حجر عسقلانی آن‌ها را مطرح کرده، امام ابن عقیل شافعی هم گفته است که علمای اهل سنت نسبت به امام علی علیه السلام ظلم و بی‌مهری کرده‌اند. ما در یمن، جلسات متعددی داشتیم؛ علمای درجه یک و شخصیت‌های فرهنگی ملی - در این جلسات شرکت می‌کردند. تقریباً ۴۰ نفر در این جلسه شرکت می‌کردند. این جلسات در ماه رمضان تشکیل می‌شدند و مباحثی مثل بیعت نکردن حضرت علی علیه السلام با ابابکر و عمر و مباحثی مثل اینکه چرا با اینکه به حضرت علی علیه السلام گفتند در مدینه بمانید، ایشان مرکز حکومت را از مدینه به کوفه منتقل کرد؟ چرا اصلاً با اینکه به ایشان سفارش کردند که به طرف بصره برو، حرکت کرد و باعث جنگ شد؟ یعنی همیشه تقصیر را به گردن امام علی علیه السلام می‌انداختند! چرا وقتی به ایشان گفتند معاویه در سرکار بماند تا شما قدرت پیدا کنید، گوش نکرد؟ چرا جنگید؟ چرا اصلاً خلافت را پذیرفت؟ این سؤالات را همیشه مطرح می‌کردیم، ولی متوجه بی‌مهری خودم نسبت به امام علی علیه السلام نبودم؛ یعنی اگر کسی به من می‌گفت: نسبت به امام علی علیه السلام بی‌مهری می‌کنی، می‌گفتم تهمت خیلی بزرگی به من می‌زنی. ولی وقتی کتاب *العقب الجمیل علی اهل الجرح والتعدیل* را خواندم، دیدم درست است اگر کسی یک سنی واقعی است حتماً باید نسبت به امام علی علیه السلام موضع بگیرد؛ چون یا باید امام علی علیه السلام را محکوم کند یا عمر را. ایشان این مسئله را مطرح کرد و من متوجه شدم مثل اینکه راه زندگی برایم روشن و مشخص شده است. با توجه به اینکه تخصص من در این رشته است. نه تنها من توسط این کتاب شیعه شدم، بلکه افراد زیادی را هم می‌شناسم که با خواندن این کتاب شیعه شده‌اند، با اینکه مؤلف و نویسنده کتاب خودش سنی است. ولی به یک نکته خیلی مهم اشاره کرده است که ما همیشه افتخار می‌کردیم که سنی‌ها نسبت به امام علی علیه السلام حالت بی‌مهری و بی‌میلی دارند.

« شما حالا دیگر بی‌میلی و بی‌مه‌ری نسبت به حضرت علی علیه السلام ندارید؟ آیا شما می‌پذیرید که شیعه‌ها هم نسبت به سایر خلفا بی‌مه‌ری دارند؟

العماد: من فکر می‌کنم بی‌مه‌ری شیعیان نسبت به رهبران اهل تسنن و بی‌مه‌ری اهل سنت به امامان شیعه با یکدیگر فرق می‌کنند؛ یعنی در اهل سنت، این بی‌مه‌ری به علت مسائل سیاسی ایجاد شده، نه مسائل دینی و مذهبی؛ بی‌مه‌ری آن‌ها نسبت به امام علی علیه السلام نتیجه دخالت دولت‌های ظالم می‌باشد، ولی بی‌مه‌ری شیعه فرق می‌کند. شیعه بر اساس قرآن و سنت دلیل مطرح می‌کند. در اینجا سیاست مطرح نیست. اگر بی‌مه‌ری شیعه هم نسبت به عمر بر اساس مسائل سیاسی باشد محکوم خواهد شد. اما چون دلیل قرآنی و حدیثی از پیامبر دارند، حرفشان درست است؛ یعنی شیعیان یک مبنای دینی مطرح کرده‌اند که خود پیامبر مطرح می‌کرد، ولی اهل سنت گفته‌اند که امام علی علیه السلام به عنوان خلیفه چهارم، از اهل بهشت است. سنی‌ها قبول دارند که پیغمبر به امام علی علیه السلام گفته است: «انت منی بمنزلة هارون من موسى» همه فضایل امام علی علیه السلام را هم قبول دارند. پس بی‌مه‌ری اهل سنت نسبت به امام چیست و از کجا نشأت گرفته؟ پس سر منشأ دینی نداشته است. با توجه به اینکه تمام فضایل امام علی علیه السلام را قبول دارند، معلوم می‌شود انگیزه سیاسی در کار است. ولی بی‌مه‌ری شیعه بر اساس بینش دینی واقع شده است.

« چند درصد از جمعیت یمن شیعه (به مفهوم عام یا شیعه امامیه) هستند؟

العماد: در واقع، شیعه امامیه - شیعه به معنای خاص - فقط پس از انقلاب به آنجا آمده است. پیش از انقلاب، در آنجا شیعه نبود. پیش از انقلاب، فقط تعدادی شیعه زیدی در آنجا بودند و پس از انقلاب اسلامی، تشیع دوازده امامی به آنجا وارد شد.

« آیا تعداد آن‌ها زیاد است؟

العماد: نه، آمار صد درصد از شیعیان دوازده امامی نداریم؛ چون یک پدیده جدید در جامعه ما هستند.

* چند درصد از مسلمانان یمن شیعه زیدی هستند؟

العماد: اگر زیدی‌ها را شیعه حساب کنیم ۳۰ درصد کل جمعیت یمن شیعه‌اند؛ چون زیدی‌ها از ۱۲۰۰ سال پیش در یمن زندگی می‌کرده‌اند. بیشتر سادات یمن، از فرزندان آقای به نام یحیی الامام الهادی بن الحسین بن القاسم الرسی - از نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام - هستند که برادرش هم در یمن بود. وی در سال ۲۶۰ هجری از مدینه به یمن آمد؛ از ظلم دولت عباسی به آنجا فرار کرد. پیش از آن همه مردم یمن سنی مذهب بودند، ولی مورخان متعصب سنی مذهب بررسی کرده‌اند که پس از او شیعیان در یمن رشد کرده‌اند. تا پیش از این تاریخ، اسامی خلفا در سراسر یمن پخش می‌شدند، ولی از وقتی یحیی الهادی وارد یمن شد، حاکم دستور داده که ذکر خلفای ثلاثه ممنوع گردد، فقط ذکر امام علی علیه السلام جایز بود.

* در حال حاضر، جمعیت یمن چقدر است؟

العماد: قریب ۲۲ میلیون نفر جمعیت دارد که ۳۰ درصد آن‌ها شیعیان زیدی مذهب می‌باشند؛ یعنی قریب ۶/۵ میلیون نفر. این آمار قبلاً بیشتر بوده؛ یعنی در زمان حکومت خود زیدی‌ها حدود ۴۰ درصد بوده است. اکنون از این تعداد، شاید تنها قریب ۴ یا ۵ درصد به خوبی شناخته شده‌اند.

در ۱۹۶۲ - قریب ۴۲ سال پیش - عبدالناصر ۷۰ هزار نیروی مصری در یمن مستقر کرد و حکومت را از زیدی‌ها گرفتند و به افراد لائیک سپرد، که حتی نمی‌توان گفت آن‌ها سنی مذهب می‌باشند.

در همین سال، همه مدارس دینی را ممنوع اعلام کردند، علمای آن‌ها را کشتند و من هم وارد مدارس وهابی عربستانی در یمن شدم. علت اینکه گفتم از ۶/۵ میلیون شیعه زیدی اکنون فقط نیم میلیون نفر شناخته شده‌اند، این است که حکومت اولاً، همه مراسم آن‌ها را ممنوع کرده. مراسم شیعیان بر اساس گرایش به اهل بیت علیهم السلام است و حکومت جدید وقتی روی کار آمد، شروع به قتل عام شیعیان و علمای آن‌ها کرد. همه مسائل

فرهنگ هزار ساله را که وابسته به اهل بیت علیهم‌السلام بود، عوض کردند؛ مثلاً، قبلاً در مراسم تشییع جنازه از اول تا آخر ذکر اهل بیت علیهم‌السلام می‌شد، اما همه این‌ها را ممنوع کردند. اکنون در مدارس رسمی و غیررسمی، اصلاً مسئله اهل بیت علیهم‌السلام مطرح نیست؛ کتاب‌هایی مثل نهج البلاغه را ممنوع کرده‌اند، صحیفه سجادیه ممنوع است. در کتاب‌های درسی و منابع روایی، به اهل بیت علیهم‌السلام حتی اشاره هم نمی‌شود؛ ممنوع است. همین اواخر، قریب یک ماه پیش دستور داده شد که نهج البلاغه را از سراسر یمن جمع کنند.

*** شبیهه‌هایی که پس از انقلاب گرایش به امامیه پیدا کرده‌اند مراسم خاصی مثل مراسم عاشورا دارند؟**

العماد: امروزه شیعیان زیدی و شیعیان دوازده امامی در مراسمی مثل روز غدیر، در مناطقی جمع می‌شوند و عالم برجسته‌ای از آن‌ها در آن روز سخنرانی می‌کند، مسئله ولایت حضرت علی علیه‌السلام را تعریف می‌کند، میوه و شیرینی بخش می‌کنند و شبیه‌خوانی انجام می‌دهند و از روز اول ذی‌الحجه تا ۱۸ ذی‌الحجه را «عید غدیر» می‌گویند.

*** در عید غدیر، چگونه شبیه‌خوانی می‌کنند؟**

العماد: یک عده نقش بازی می‌کنند، یکی هم سخنرانی می‌کند؛ مسابقه تیراندازی هم برگزار می‌کنند. ولی به علت تعصب مذهبی و جنگی که دولت یمن پس از انقلاب ۱۹۶۲ صورت داد، این مراسم ممنوع است، فقط در برخی مناطق یمن به صورت مخفیانه اجرا می‌شود. وهابی‌ها در مراکز حساس دولتی نفوذ دارند و اتفاق افتاده است که گاه در روز غدیر، چند نفر کشته شده‌اند و ممکن است چندین نفر کشته شوند و جنگ صورت بگیرد. به همین دلیل، خود دولت دخالت می‌کند و دستور رسمی صادر می‌کند که مراسم غدیر ممنوع است.

* زیدی‌ها به طور خاص، غیر مراسم غدیر، چه مراسم دیگری دارند؟

العماد: مراسم دیگری هم وجود دارند؛ مثلاً، اکنون با وجود انقلاب اسلامی، برخی مراسم گرچه کم هستند، ولی از شیعیان دوازده امامی وارد جامعه شیعیان زیدی شده‌اند؛ مثل عاشورا. مراسم عاشورا قبلاً نبود؛ تا پیش از انقلاب اسلامی، میان زیدی‌ها چنین مراسمی مطرح نبود، ولی در حال حاضر، تعداد زیادی از شیعیان زیدی روش ایرانیان و شیعیان عراقی را یاد گرفته‌اند و در روز عاشورا سینه می‌زنند، روضه می‌خوانند. همچنین دعای کمیل می‌خوانند. این‌ها از فرهنگ شیعه دوازده امامی به آنجا آمده‌اند. گرایش به دعای کمیل، مفاتیح‌الجنان و بعضی ادعیه شیعه پس از انقلاب اسلامی زیاد شده است؛ چون بیشتر جامعه زیدی در ظلم بوده‌اند. این‌ها در حال انقراض بودند. اعتراف می‌کنم که اگر انقلاب اسلامی نبود، مذهب زیدی از بین رفته بود؛ چون تهاجم فرهنگی از مصر و کشورهای عربی و فیلم‌های تلویزیونی، همه مذهب اهل سنت را تبلیغ می‌کنند و بر سنتی بودن عرب و ناسیونالیسم عرب تأکید زیاد دارند. همه این‌ها موجب شده‌اند که همین ۶/۵ میلیون زیدی، به ظاهر زیدی باشند. فقط با آمدن انقلاب اسلامی و کتاب‌های شیعه، که از قم به آنجا آمدند، خود زیدی‌ها بعداً به مذهب زیدی برگشتند. من از آن‌ها می‌پرسیدم که چرا زیدی شدید، می‌گفتند: ما کتاب *المراجعات* علامه شرف‌الدین را خواندیم. یکی از رهبران زیدی‌ها در یمن، محمد منصور، می‌گفت: اگر انقلاب اسلامی نبود، زیدی‌ها از بین رفته بودند، چون به هر حال، دولت شیعه آمده، ما هم شیعه هستیم. با آمدن یک دولت شیعه، ما دوباره زنده شدیم و دوباره به تشیع خود امیدوار شدیم. خود علمای زیدی گفته‌اند: اگر انقلاب اسلامی نبود، الآن یک زیدی هم در یمن نبود. خوشبختانه بیشتر آن‌هایی که موجب گسترش مذهب دوازده امامی در یمن شده‌اند همین زیدی‌ها بوده‌اند. بیشتر کسانی که به عنوان مبلغ به یمن رفتند، توسط شخصیت‌های زیدی حمایت شدند؛ نه تنها حمایت شدند، بلکه به آن‌ها اجازه دادند که مدرسه بسازند و تبلیغ کنند، حتی اجازه دادند فرزندان‌شان هم شیعه شوند. مفتی زیدی‌ها آقای علامه محمد زبارة در یمن می‌گفت: تشیع واقعی در قم است.

«وضعیت علما و روحانیان یمن چگونه است؟ آیا زیدی‌ها عالم و روحانی برجسته دارند؟ آن‌ها کجا درس می‌خوانند؟»

العماد: آن‌ها غالباً در شهر علمی زیدی‌ها در یمن، شهر «صعده»، هستند؛ منطقه‌ای که تقریباً سه ماه پیش در آن جنگ شد؛ جنگی که واقعاً جنگ مذهب بود. تعدادی از علمای شیعه زیدی در این جنگ کشته شدند، که برخی از آن‌ها قریب ۸۰ سال سن داشتند. آیه‌الله محمدرضا جلالی، که با علمای زیدی زیاد ارتباط دارد، می‌گفت: کشتارها زیاد بودند؛ دست کم از سال ۱۹۶۲ یعنی از ۴۲ سال قبل، دست کم ۵۰۰۰ زن و مرد و علمای شیعی کشته شده‌اند. به طور تقریبی، هر هفته یا هر دو هفته یا امام جماعت یک مسجد را کشته‌اند یا یک روحانی برجسته را یا یک شخصیت برجسته را یا یکی از معتقدان به دین را.

«آیا شیعه‌های دوازده امامی هم در آنجا روحانی دارند؟»

العماد: بله، دارند، ولی شیعه دوازده امامی چون تازه در یمن پا گرفته نمی‌توان گفت صد درصد جا گرفته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

«آیا از یمن هم طلبه در قم داریم؟»

العماد: بله. این‌ها وقتی درس خواندند، برای تبلیغ، به یمن برمی‌گردند.

«در ماه رمضان، آنجا شیعه‌ها مراسم شب قدر هم دارند؟ در این باره، زیدی‌ها تفاوتی با سنی‌ها دارند؟»

العماد: بله، مراسم هست. تفاوت این‌ها هم بیشتر به خاطر فقه آن‌هاست؛ مثلاً، چند درصد از فقه زیدی در احکام نماز و روزه، مخلوطی از فقه شیعه و فقه اهل سنت است.

* در شب نوزدهم ماه رمضان، که شب شهادت امام علی علیه السلام است، آیا شیعیان آنجا مراسم ویژه‌ای دارند؟ یا فقط روز عاشورا مراسم دارند؟

العماد: مراسم اکنون کمابیش برگزار می‌شوند، ولی قبلاً این مراسم نبود. این مراسم به تدریج، از فرهنگ شیعه دوازده امامی وارد مذهب زیدی شده و گرچه آن‌ها زیدی هستند، ولی به صورت شیعه دوازده امامی عمل می‌کنند. وقتی وارد شهر زیدی می‌شوید، می‌بینید ۹۰ درصد کتاب‌های آن‌ها از شیعیان دوازده امامی‌اند.

* به لحاظ فقهی، زیدی‌ها به خمس هم معتقدند؟
العماد: بله، ولی مانند اهل سنت قایل به خمس غنایم هستند.

* آیا ارتباط میان شیعیان و اهل سنت خوب است؟
العماد: در جنگ اخیر، که در منطقه «صعده» سه ماه قبل صورت گرفت، هزاران نفر کشته شدند و هنوز نیز ادامه دارد. این جنگ در واقع، یک قتل عام توسط عوامل دولتی بود که صورت گرفت.

* در شهر «صعده»، شیعیان مدرسه علمیه دارند؟ تعداد طلبه‌های آن چقدر است؟
العماد: بله، دارند، بخصوص در تابستان ۱۸۰۰۰ طلبه به خاطر تعطیلات مدارس، در آنجا جمع می‌شوند.

* در یمن، زیارتگاه یا معبدی هم هست؟
العماد: بله، بیشتر زیارتگاه‌ها جاهایی هستند که امام علی علیه السلام در آنجا حضور یافته‌اند. وقتی پیامبر امام علی علیه السلام را به یمن فرستادند، امام علی علیه السلام در آنجا یک مسجد ساختند. این مسجد هنوز هم هست و قدیمی است که خیلی مقدس می‌باشد. مسجد دیگری هم هست به نام «مسجد الشهدین» که خیلی شهرت دارد.

*** در مورد امام زمان علیه السلام، زیدی‌های یمن چه اعتقادی دارند؟**

العماد: سنی‌ها امام زمانی را قبول دارند که زمانی متولد می‌شود و ظهور می‌کند. ولی شیعیان زیدی عصمت پنج تن (آل عبا) را قبول دارند: امام علی، حضرت زهرا، امام حسن و امام حسین علیهم السلام. بقیه افراد مثل زید، امام جعفر صادق و امام باقر علیهم السلام را به عنوان افراد مقدس قبول دارند، نه به عنوان معصوم، و قایلند که پس از رحلت امام حسین علیه السلام دیگر مسئله «عصمت» و «نص» تمام شد.

*** آیا می‌توان گفت مسئله «مهدویت» در آنجا بروز اجتماعی ندارد، به خلاف آنچه - مثلاً -**

در نیمه شعبان در ایران ابراز می‌دارند؟

العماد: از این تشریفات در آنجا خبری نیست.

*** پیش از اینکه شما به ایران بیایید، چند سال داشتید که با ایران آشنا شدید؟**

العماد: در سن ۱۰ سالگی بودم که با قیام انقلاب اسلامی آشنا شدم؛ چون انقلاب اسلامی یک حرکت جهانی بود. علاوه بر این‌ها، در اخبار رادیو و تلویزیون و در روزنامه‌ها، به دلیل دشمنی دولت یمن با انقلاب اسلامی، تبلیغات منفی صورت می‌گرفت. در جنگ ایران و عراق، یمن شمالی نیروهای نظامی برای کمک به عراق فرستاد. به خاطر اینکه زیدی‌ها همه طرفداران انقلاب اسلامی ایران هستند، از این کار دولت یمن خیلی عصبانی بودند. با توجه به اینکه دستگاه اطلاعات یمن و دستگاه اطلاعات عراق یکی بود، حتی سفیر یمن در ایران، هم نماینده یمن بود و هم نماینده عراق.

*** آیا زیدی‌های یمن نیز همانند شیعیان ایران دارای مرجعیت می‌باشند؟**

العماد: آن‌ها مرجع تقلید دارند و تمام تفکرات شیعه را دارند؛ یعنی گرچه می‌گویند تقلید زنده نیست، ولی چون از لحاظ فرهنگ و عقیده، با دولت‌های سیاسی مخالف

هستند و دولت ظالم را قبول ندارند، برای خودشان مرجع دینی دارند. آن‌ها حتی مجبور می‌شوند زکات را دو بار پردازند؛ یک بار به دولت یمن و یک بار به مرجع دینی.

*** مرجع زیدی‌ها در این زمان چه کسی است؟**

العماد: ایشان در قم سکونت دارد، شخصی به نام سید بدرالدین الحوثی که مثل مراجع شیعی، کتاب عقیدتی و فقهی نوشته است.

*** به نظر شما، حوزه علمیه قم یا علمای شیعه از لحاظ فرهنگی، چه کارهایی می‌توانند برای یمن انجام دهند و چگونه می‌توانند با یمن تعامل داشته باشند؟**

العماد: در یمن، تشیع به معنای عام، ۱۲۰۰ سال حکومت کرد، تا اینکه وهابی‌ها به حکومت رسیدند، به کتابخانه‌ها حمله کردند و آن‌ها را آتش زدند و میراث ۱۰۰۰ ساله را از بین بردند. برای جلوگیری از نابودی میراث فرهنگی شیعیان زیدی، روش آیه‌الله محمدرضا جلالی خوب است. ایشان شخصی است که کتاب‌های زیادی درباره شیعیان نوشته و نسبت به شیعیان زیدی و یمنی خیلی تخصص دارد و سعی می‌کند نوشته‌ها و کتاب‌های شیعی را از یمن به قم بیاورد و در اینجا چاپ کند. ایشان می‌گفت: ما باید ثابت کنیم که فرهنگ یمنی‌ها اصالتاً فرهنگ شیعه است. اما سیاست دولت یمن، چون سیاست وهابی و ضد شیعه است، سعی می‌کنند کتاب‌های شیعی را چاپ نکنند و یا اگر یک کتاب زیدی چاپ می‌کنند هر چه در آن مطالب به نفع شیعه است، حذف می‌کنند. کتاب‌هایی هم که چاپ می‌کنند، خود علمای زیدی می‌گویند: تحریف شده‌اند؛ مثل کتاب‌های شرح نهج البلاغه یمنی‌ها. طی ۱۲۰۰ سال، دست کم ۱۰۰ شرح بر نهج البلاغه زده شده است. حال اگر این شروح را در ایران چاپ کنید، وهابی‌ها سعی می‌کنند این کتاب را اگر قیمتش ۱۰۰ دلار است ۲۰۰۰ دلار بخرند و آتش بزنند. حتی یک نفر وهابی کتابی نوشته در ۴ جلد و سعی کرده است بگوید که قبایل یمنی در ترویج و بسط تشیع دخالت نداشته‌اند، بلکه در گسترش تسنن دخیل بوده‌اند و تشیع فقط از آن

ایرانی‌هاست. خوشبختانه شخصی به نام دکتر اصغر منتظرالقائم که استاد علوم تاریخ در دانشگاه اصفهان است کتاب بسیار جالبی در ارتباط با نقش قبایل یمنی در حمایت از اهل بیت علیهم‌السلام نوشته که کتاب مهم و مؤثری است که ترجمه این کتاب توسط همسر بنده صورت گرفت. این کتاب در ایران نوشته شده و در یمن کم‌نظیر است و در این مورد، کتابی وجود نداشته است. این‌ها سعی می‌کنند در تلویزیون اعلام کنند که شما یمنی‌ها سنی هستید و تشیع در یمن نیست، اما رهبر سنی‌ها، آقای علامه شیخ مقبل وارعی می‌گفت: در یمن تشیع هست و در دل اهالی یمن حبّ اهل بیت علیهم‌السلام وجود دارد، ولی ما باید این محبت را از آن‌ها بگیریم. حال اگر ما بتوانیم برای تبلیغ، میان یمنی‌ها برویم و آن‌ها را شیعه کنیم، این کار خوبی است. ولی کار دیگری هم می‌توانیم انجام می‌دهیم و آن اینکه فرهنگ هزارساله شیعه یمن را به ایران وارد کنیم و تجدید چاپ کنیم و به یمن بفرستیم. فکر می‌کنم این کار مفیدی است؛ چون فرستادن مبلغ و شیعه کردن تک تک آن‌ها به مدت زمانی طولانی نیاز دارد.

*** در حال حاضر، چه کسی از این کارها حمایت می‌کند؟**

العماد: دو شخصیت هستند که از این کار حمایت می‌کنند: آیه‌الله جلالی و آیه‌الله حسینی اشکوری که محقق بزرگی است و ۷۰ کتاب تألیف کرده و بارها به یمن رفته و برای زیدی‌ها در سراسر جهان کتاب نوشته است. ایشان در مقدمه یکی از کتاب‌هایش نوشته است: ما باید سعی کنیم میراث شیعه - به مفهوم عام - را از سراسر جهان جمع کنیم، بخصوص میراث زیدی‌ها را که در خطر نابودی است؛ چون علمای زیدی در معرض حمله قرار دارند.

*** شما در ایران به چه کاری مشغول هستید؟**

العماد: من اینجا درس طلبگی می‌خوانم.

*** نظر شما دربارهٔ اتحاد مسلمانان چیست؟ آیا موافقید که شیعه و سنی متحد شوند؟ این اتحاد را چگونه معنا می‌کنید؟**

العماد: اتحاد مسلمانان به دو معناست: یکی به این معنا که می‌گوییم دیگران به مذهب ما گرایش پیدا کنند و از اعتقادات ما پی‌روی کنند، که من این را قبول ندارم. ولی اگر اتحاد را به این معنا بدانیم که به عنوان یک روش تبلیغ، مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام) را مطرح کنیم، این باعث گرایش به این مذهب می‌شود، نه سبب تنفر در آنها، که این کار خوبی است. دوم اینکه اتحاد از جهت سیاسی باشد؛ یعنی ما در سراسر جهان، در برابر دشمنان اسلام مثل آمریکا متحد شویم. ولی اگر اتحاد به معنای این باشد که مسئله «ولایت» را کم‌رنگ کنیم تا دیگران را به تشیع دعوت نماییم، این اتحاد نیست، بلکه این کار، هم به اتحاد ضربه می‌زند و هم به مذهب و اعتقادات.

*** پس شما اتحاد را استراتژیک می‌دانید؛ یعنی اینکه ما در برابر دشمنان خارجی متحد باشیم، ولی نه به معنای اینکه از لحاظ اعتقادی یکی بشویم؟**

العماد: بله، یعنی من به جای اینکه یک رفتار خصمانه و تفرقه‌افکنانه انجام دهم گفت‌وگوی بدون تعصب انجام می‌دهم. من یک کتاب هم در این مورد نوشته‌ام که توسط حجة الاسلام مصطفی اسکندری به گفت‌وگوی بی‌سبب ترجمه شده است. این مسئله را در این کتاب مطرح کرده‌ام.

*** در یمن، چه کشورهایی از لحاظ فرهنگی فعالیت می‌کنند و فعالیت‌های مذهبی انجام می‌دهند؟ آیا ایران هم فعالیت فرهنگی دارد؟**

العماد: به دلیل رفتارهای ضد شیعی حکومت یمن، فعالیت فرهنگی ایرانیان محدود است و بیشتر کارهای خدماتی مثل ساخت درمانگاه و کارهای تجاری انجام می‌دهند. حتی می‌خواستند یک کتابخانه در یمن بسازند به نام کتابخانه «امام خمینی» که دولت یمن قبول نکرد.

* از مرجعیت شیعه چه توقعی دارید؟ اگر شما به عنوان مشاور ایشان و امور یمن بودید و بودجه‌ای برای این کار اختصاص داده شده بود، کدام فعالیت فرهنگی را ترجیح می‌دادید؟

العماد: شیعیان یمن، دچار یک مشکل بزرگ هستند و آن جنگ مذهبی است که گریبانگیر آن‌ها شده. از سه یا چهار ماه اخیر تا امروز، هزاران نفر از شیعیان زیدی یمن کشته شده‌اند. شیعه زیدی یا در زندان است یا در محاصره و یا به قتل می‌رسد. من فقط انتظار دارم اگر جمهوری اسلامی به علت مسائل سیاسی، نمی‌تواند این جنایات را محکوم کند، مراجع و علمای ایران مستقلاً یک بیانیه صادر کنند که چرا در یمن شیعیان را قتل عام می‌کنند، و این کار را محکوم کنند. وقتی با شیعیان یمنی از طریق اینترنت صحبت می‌کنیم، می‌گویند ما انتظار داریم که کشتن شیعه را در یمن محکوم کنند.

* شما فکر می‌کنید که آن‌ها اطلاع ندارند یا مصلحتی ایجاب می‌کند که این کار را نمی‌کنند؟

العماد: بیشترشان که من با آن‌ها جلسه داشتم، از موضوع اطلاع ندارند. ولی با بعضی اشخاص که تماس داشتم و برایشان توضیح دادم، گفتند: یک نامه می‌نویسیم و جنایات صورت گرفته را محکوم می‌کنیم. ولی هنوز اطلاعیه‌ای در این خصوص صادر نکرده‌اند. اکنون هزاران نفر از شیعیان در زندان و در زیر شکنجه هستند و علناً خود رئیس جمهور یمن گفت: تشیع را قبول نداریم، بخصوص اکنون از وضعیت شیعیان در عراق می‌ترسند.

یکی از رهبران وهابیت در یمن نامه‌ای با امضای گروهی از وهابی‌ها، برای رئیس جمهور فرستاد و در آن نوشتند که اگر شیعه در یمن وجود داشته باشد در آینده خطر بزرگی برای ما خواهد بود. این مسئله به معنای قتل عام شیعه است.

« اکنون وضعیت اقتصادی شیعیان چگونه است؟ در مقایسه با سایر گروه‌ها، شیعیان جزو قشر فقیرند یا ثروتمند؟

العماد: دولت به شیعیان اجازه نمی‌دهد مالک کارخانه‌های صنعتی شوند یا در نیروی هوایی، نیروی انتظامی و در مشاغل مهم دولتی وارد شوند. انتظار دیگری هم هست و آن اینکه کتاب‌های شیعه زیدی را؛ کتاب‌هایی که مشترک بین آن‌ها و شیعیان دوازده امامی هستند، منتشر کنند؛ مثل کتاب در مورد حضرت علی علیه السلام، در مورد حضرت زهرا علیها السلام یا در مورد امام حسین علیه السلام. خوشبختانه بیشتر کتاب‌های زیدیه درباره این موضوعات هستند. آن‌ها زیدی هستند، ولی به زید اعتقاد ندارند، می‌گویند: زید مثل بقیه افراد است. آن‌ها فقط به پنج تن آل علیهم السلام عبا اعتقاد دارند. دلیل اعتقاد شیعیان زیدی به زید در این است که پس از معصومان، اولین انقلاب مسلحانه علیه حکومت ظلم و ستم توسط زید صورت گرفت. به همین دلیل، او را به عنوان رهبر شیعه قبول دارند، نه به عنوان یکی از معصومان.

« شما به عنوان یک مستبصر - کسی که قبلاً سنی بود و حالا شیعه شده است - چه پیامی برای جوانان ایران و چه پیامی برای طلاب حوزه علمیه قم و مشهد دارید؟

العماد: در سراسر جهان، دشمنان اسلام می‌خواهند کل عقاید اسلام، اعم از سنی و شیعه را نابود کنند. به همین دلیل، سعی کرده‌اند که همه مراکز دینی در یمن و در تونس و در سراسر جهان تحت نظارت دولت‌ها قرار گیرند؛ مثلاً، کانون‌های طلبه‌ها در یمن، تونس، عربستان، مصر و ترکیه را به یک کانون دولتی تبدیل کرده‌اند که وابسته به دولت باشد، تا آنجا که حتی اگر امام جماعتی وارد مسجد شود و بخواهد درباره مسائل دینی صحبت کند، نتواند حرفی در مخالفت برنامه‌ریزی دولت بزند. این‌ها موفق شدند که مراکز اهل سنت را دولتی کنند. فقط در مورد روحانیت شیعه، این کار صورت نگرفت و در جامعه شیعه شکست خوردند. به همین دلیل است که روحانیت شیعه مستقل از دولت‌هاست.

دلیل آن‌ها برای دولتی کردن علمای اهل سنت، این بود که قبلاً همه جنگ‌هایی که علیه حکومت‌ها انجام می‌شدند، توسط روحانیان بودند؛ مثل عمر مختار که یک روحانی بود، امام یحیی در یمن یک روحانی بود، حسن البنا در مصر یک روحانی بود، عبدالقادر جزایری در الجزایر یک روحانی بود. ما امیدوارم مغرور نشویم از اینکه می‌گوییم اهل تشیع هستیم و شیعه مستقل است. این حرف درستی است، ولی کارهای خیلی بزرگی می‌توانیم انجام دهیم. در مصر، توانستند یک مرجع ثابت و یک عالم رسمی در «الازهر» درست کنند؛ در عالم تشیع هم می‌توانند یک مرجع وابسته درست کنند. به همین خاطر، شیعیان باید مراقب باشند.

من به جوانان ایرانی توصیه می‌کنم که سعی کنند از دیگر جوانان عبرت بگیرند. متأسفانه در سراسر جهان اسلام، کشورهایی که حکومت‌هایشان به آمریکا گرایش دارند، بیشتر جوانانشان تحت تأثیر تهاجم فرهنگی غربی می‌باشند. جوانان دیندار کشورهای اسلامی به عنوان «تروریسم» معرفی می‌شوند. متأسفانه کلمه «تروریسم» چندان گسترش پیدا کرده است که حتی کسی که نماز می‌خواند به عنوان «تروریسم» شناخته می‌شود، به عنوان طرفدار بن لادن که باید کشته شود. از این نعمت فقط جوان‌های متدین ایران برخوردارند که می‌توانند آزادانه نماز بخوانند، احکام دینی و امر به معروف انجام دهند. من به عنوان یک جوان یمنی یا یک جوان تونس، اگر بتوانم کار یک جوان ایرانی را انجام دهم، مرا دستگیر می‌کنند و به زندان می‌اندازند. من از جوانان می‌خواهم از این نعمت که خداوند به آن‌ها داده است که می‌توانند علیه دشمنان اسلام حرف بزنند، مذهبشان را تبلیغ کنند، امر به معروف و نهی از منکر کنند، استفاده نمایند. یک جوان فلسطینی یا یک جوان یمنی هیچ وقت نمی‌تواند کار یک جوان ایرانی را انجام بدهد. یک جوان فلسطینی فقط می‌تواند یک کار انجام بدهد: اینکه برود پیش یک یهودی و کشته شود. غیر از این راهی ندارد. جوانان ایرانی از این فرصت استفاده کنند و فکر نکنند که این فرصت‌ها همیشه در اختیارشان می‌مانند. این فرصت‌ها همیشه مثل ابر هستند و می‌روند و دیگر بر نمی‌گردند (از فرمایش‌های امام علی علیه السلام). جوانان ایرانی

موقعیت خود را با موقعیت جوانان یمنی یا تونس‌ی مقایسه کنند تا قدر انقلاب اسلامی را بیشتر بدانند.

* تعداد طلاب یمنی کم است. علتش چیست؟ خوب جذب نشده‌اند، یا علاقه ندارند؟
العماد: این بیشتر تقصیر دولت یمن است. دولت یمن تلاش می‌کند موانع زیادی ایجاد کند و اگر یک نفر یمنی برای تحصیل علوم دینی به ایران آمده باشد، یا خودش را اذیت می‌کند یا خانواده‌اش را.

* از اینکه جناب عالی وقت شریفتان را در اختیار ما قرار دادید، تشکر می‌کنیم.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی